



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

مطالعه تطبیقی آثار ناشی از نوسان قیمت در قراردادهای تحلیل مقایسه‌ای ایران و فیدیک با رویکردی بر فقه

حسین شکریان امیری^۱، علیرضا سحرخیز^{۲*}

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، دانشکده‌گان فارابی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف اصلی این مطالعه، بررسی و تحلیل آثار ناشی از نوسان قیمت در قراردادهای با رویکردی تطبیقی بین حقوق ایران و قراردادهای فیدیک، همراه با نگرشی فقهی است. این بررسی شامل شناسایی و مقایسه راهکارهای حقوقی جبران خسارت‌های احتمالی ناشی از نوسانات قیمت در هر دو نظام حقوقی و قراردادی است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و به روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، صداقت، اصل امانتداری و بی‌طرفی و نیز اصالت اثر، رعایت شده است.

یافته‌ها: حقوق ایران و قراردادهای فیدیک هر دو مکانیسم‌هایی برای مقابله با آثار ناشی از نوسان قیمت در قراردادهای دارند، اما رویکردها و جزئیات اجرایی آن‌ها تقریباً یکسان است.

نتیجه: در حقوق ایران، که متأثر از فقه می‌باشد، ادله فقهی، نظیر قاعده لاضرر و مصلحت، دلیل عقل و بناء عقلا، می‌تواند مبنایی برای تعدیل قراردادهای و جبران خسارت در شرایط نوسان شدید قیمت باشند. از سوی دیگر، قراردادهای فیدیک معمولاً شامل بندهای تعدیل قیمت هستند که به طرفین اجازه می‌دهند در صورت بروز نوسانات قابل توجه در قیمت‌ها، شرایط قرارداد را بازنگری کنند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷۳-۱۸۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

مطالعه تطبیقی، نوسان قیمت، قرارداد، فقه، فیدیک.

نویسنده مسؤول:

علیرضا سحرخیز

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، گروه خصوصی.

تلفن:

09118359488

کد ارکید:

0009-0002-1385-3582

پست الکترونیک:

alirezasaharkhiz72.as@gmail.com

۱. مقدمه

حقوقی و فقهی به این نوسان‌ها وجود دارد؟ فرض می‌شود که نظام حقوقی ایران و سیستم فیدیک در مواجهه با نوسان قیمت در قراردادهای رویکردهای متفاوت و در عین حال مکملی دارند که مبتنی بر مبانی فقهی و اصول حقوقی هر دو نظام است، به طوری که در ایران، تأکید بیشتری بر مفاهیم فقهی و قراردادهای مستقر در فقه ظهور می‌یابد، در حالی که سیستم فیدیک بر استانداردهای بین‌المللی و سازوکارهای مالی و قراردادی متداول تمرکز دارد. نوآوری این تحقیق در ارائه یک تحلیل تطبیقی و جامع از اثرات ناشی از نوسان قیمت در قراردادهای مختلف، به‌ویژه در چارچوب نظام حقوقی ایران و سیستم فیدیک، است، به گونه‌ای که به‌طور همزمان تلاش می‌کند تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها را در زمینه نحوه مدیریت ریسک، انعطاف‌پذیری قراردادها و سازوکارهای جبران خسارت نشان دهد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله چون توصیفی تحلیلی است و در آن از روش پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده نشده، لذا برای جمع‌آوری داده از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این تحقیق، صداقت، اصل امانتداری و بی‌طرفی و نیز اصالت اثر، رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

حقوق ایران و قراردادهای فیدیک هر دو مکانیسم‌هایی برای مقابله با آثار ناشی از نوسان قیمت در قراردادهای دارند، اما رویکردها و جزئیات اجرایی آن‌ها تقریباً یکسان است.

قرارداد مهمترین سازوکار موجود در نظام حقوقی و به عنوان قانون طرفین آن می‌باشد، اما امروزه با پیشرفت و تکامل بشری در تمام زمینه‌ها، احکام حقوقی حاکم بر روابط بین انسانها را متحول ساخته است. اصولاً اشخاص با انعقاد قرارداد سعی در شکل دادن به تعهدات خود داشته و تلاش می‌نمایند که با پیش بینی شروط مختلف، بر مبنای اوضاع اجتماعی و اقتصادی در جریان و با نظر به آینده قابل پیش بینی، خود را از اختلافات بعد از انعقاد قرارداد برهانند. اوضاع اقتصادی خصوصاً دهه اخیر کشور و افزایش بی‌سابقه قیمت کالا و خدمات که بعضاً در مدت بسیار کوتاهی نیز رخ می‌دهد، پیامد کاهش ارزش پول ملی را رقم زده است. اثر مستقیم این نوسان‌های اقتصادی بر قراردادهای غیرقابل انکار بوده و طرفین را بعضاً در شرایط پیچیده‌ای از حیث اجرا تعهدات قرار می‌دهد، که لزوم تعدیل مبلغ قرارداد را به عنوان یک ضرورت مسلم، بیش از پیش هویدا می‌سازد. اگرچه اصل و حکم اولیه لزوم قراردادهاست و تصحیح، تغییر و کاهش یا افزایش عوضین امری خلاف قاعده می‌باشد، لکن تعدیل نمودن مبلغ قرارداد با توجه به جهش‌های قیمتی در اقتصاد کشور، به عنوان حکم ثانویه، امری اجتناب‌ناپذیر است. نظر به ضرورت بحث در این رابطه، تحقیق حاضر در تلاش است تا این بحث را مطمح نظر قرار داده و ذیل عنوان «مطالعه تطبیقی آثار ناشی از نوسان قیمت در قراردادهای تحلیل مقایسه‌ای ایران و فیدیک با رویکردی بر فقه» به تحقیق و بررسی بپردازد. در این راستا، این سؤال اصلی مطرح است که چگونه نوسان قیمت در قراردادهای در نظام‌های حقوقی ایران و فیدیک، اثرگذار است و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در واکنش‌های

۵. بحث

به منظور پرداختن به موضوع «مطالعه تطبیقی آثار ناشی از نوسان قیمت در قراردادهای تحلیل مقایسه‌ای ایران و فیدیک با رویکردی بر فقه» مطالب ذیل ارائه می‌گردد.

۵-۱. مفهوم تعدیل قرارداد

تعدیل، که مشتق از مصدر باب تفعیل و ریشه «عدل» است (فیومی، ۱۴۲۵ق، ۳۹۶)، در زبان عربی به معنای متعددی به کار می‌رود. در معنای لغوی، این واژه دلالت بر برابری، صحت و عدالت دارد (نفیسی، بی‌تا، ۲، ۹۰۴). برخی از لغت‌شناسان، تعدیل را به معنای برابر کردن، سامان دادن، هم‌وزن نمودن دو چیز (فیومی، همان، ۳۹۶) و یا راست و استوار ساختن چیزی دانسته‌اند (همان، ص ۳۹۶).

علاوه بر این، در برخی موارد، تعدیل به معنای تخفیف و تخفیف مجازات نیز به کار رفته است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «و بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»، یعنی، با برقراری موازنه و برابری، اجزای عالم هستی، آسمان‌ها و زمین، استوار و پابرجا مانده‌اند (سیاح، ۱۳۶۵، ۲، ۱۰۱۸-۱۰۱۷).

در یک دیدگاه، تعدیل در لغت به مفاهیمی چون عدل، انصاف و برابری اشاره دارد. در معنایی دیگر، به معنای تجدید نظر کردن، تغییر دادن، تعویض نمودن و تبدیل کردن به منظور ایجاد تعادل و تعدیل به کار می‌رود (بعلیکی، ۱۳۸۵، ۷۱۶؛ میرزایی، ۱۳۷۷، ۴۲۴). از سوی دیگر، واژه تعدیل مفهومی مغایر با ظلم و ستم دارد و به عنوان نقطه‌ای میانی بین افراط و تفریط در نظر گرفته می‌شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۴۸۱). از این رو، تعدیل به معنای برقراری برابری و مساوات است؛ زیرا برابری و مساوات هرگونه

زیاده‌روی و کوتاهی را مردود شمرده و فرد را به سوی میانه‌روی و اعتدال هدایت می‌کند. در نتیجه، تعدیل ستم را به طور مستقیم نفی کرده و مقتضیات مساوات واقعی بین طرفین را حاکم می‌سازد (فراهیدی، بی‌تا، ۲، ۳۸).

همچنین، برخی از محققان به این نکته اشاره کرده‌اند که واژه «عدل» دارای معنای متضاد است؛ به گونه‌ای که از یک سو، دلالت بر برابری دارد و از سوی دیگر، می‌تواند به کجی و نادرستی اشاره کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴، ۲۴۶).

از دیدگاهی دیگر، تعدیل به معنای تصدیق و گواهی دادن به عدالت فردی است. این گواهی را «شاهد تعدیل» یا «شاهد تزکیه» می‌نامند و این واژه در مقابل اصطلاح «جرح» به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۲، ۱۲۸۱).

علاوه بر این، لغت‌دانان در تبیین مفهوم تعدیل، معنای متناسب با کاربردهای فقهی آن را نیز ذکر کرده‌اند. به این معنا که تعدیل عبارت است از تقسیم کردن چیزی بر اساس ارزش یا منفعت آن، نه بر اساس اندازه و مقدار آن. بنابراین، جایز است که حتی دادن کمترین جزء را نیز تعدیل بنامیم. به همین ترتیب، «عدل» به معنای ایجاد تعادل در وزن و مقدار نیز به کار می‌رود (فیومی، ۱۴۲۵ق، ۱ و ۲، ۳۹۶).

در همین راستا، عده‌ای «عدل» را به معنای قوام و استواری بخشیدن به یک شیء دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۹، ۸۴)؛ به این معنا که آن شیء دارای نظم، تدوین و انسجام باشد. بنابراین، تعدیل در مبحث معاملات به این معناست که اگر معامله‌ای به دلیل اختلاف ارزش عوضین در معرض فروپاشی باشد، تعدیل آن می‌تواند باعث احیای معامله و قوام دوباره آن شود. در اصطلاح حقوقی، تعدیل قرارداد به معنای تقسیم مال

نمی‌تواند به تنهایی اقدام به فسخ آن نماید. به طور معمول، قاضی و قانون‌گذار نیز نمی‌توانند در روابط بین طرفین دخالت کرده و مفاد توافقات آن‌ها را مورد تغییر قرار دهند. بازنگری در مضمون قرارداد بوسیله طرفین، با اصول حقوقی موردنظر کاملاً سازگاری دارد. این اختیار از قانونی مدنی در ضمن مواد ۱۰، ۲۱۹، ۲۳۰ و ۲۸۳ قابل دریافت است. لذا همان اراده‌هایی که ایجاد کننده قرارداد و تنظیم کننده مفاد و شروط آن بوده‌اند، این توانایی را دارند که مفاد آن را مورد اصلاح، بازبینی و تجدیدنظر قرار بدهند. تعدیل قرارداد از جمله اختیاراتی است که طرفین قرارداد با استناد به اصل حاکمیت اراده، نسبت به اعمال آن مجاز هستند (مزارعی، ۱۳۹۴، ۱۰۹).

ب) تعدیل قانونی: قراردادی که بر اساس اراده‌ی طرفین شکل می‌گیرد و روابط بین آن‌ها را تنظیم می‌کند، به منزله قانون است. لازم‌الاجرا بودن قرارداد نیز، ریشه در آزادی قراردادی و اصل حاکمیت اراده دارد. احترام گذاشتن به اراده و خواست طرفین اقتضا می‌کند که تنها خود آنان نسبت به اراده‌ی خود، اختیار و مدیریت داشته باشند. در همین رابطه، نه تنها نباید به یکی از طرفین اجازه داد که به صورت یک‌جانبه و خودسرانه در مفاد قرارداد دخل و تصرف کند، بلکه دولت و قانون‌گذار نیز نباید حق دخالت در روابط خصوصی افراد را داشته باشند. این اصل، با وجود فراز و نشیب‌های بسیار در طول زمان، همچنان جایگاه و اعتبار خود را به عنوان یک اصل اساسی در حقوق قراردادهای حفظ کرده است. با این حال، مقتضیات و مصالح اجتماعی، دستاویزی برای دخالت قانون‌گذار فراهم کرده‌اند تا از این طریق به حریم خصوصی افراد وارد شود. بر اساس دیدگاه مدیریت اجتماعی، اراده شخص

مشترک به سهم‌های مساوی از نظر ارزش است که همان تعدیل سهام نیز به شمار می‌رود. همچنین، به معنای بازبینی و تجدیدنظر در مواردی است که تعادل و برابری بین طرفین قرارداد از بین رفته باشد (انصاری، طاهری، ۱۳۸۶، ۱، ۷۰۳).

هرچند که در اصطلاح حقوقی، تعدیل قرارداد بیشتر حول محور قیمت دور می‌زند، اما این تعریف صرفاً بیانگر وجه غالب تعدیل، یعنی تعدیل قیمت است و نباید آن را به عنوان یک تعریف حصری در نظر گرفت، بلکه بسته به شرایط گوناگون، این مفهوم قابل توسعه و گسترش است. در بیان مفهوم اصطلاحی تعدیل از منظر فیدیک می‌توان به ماده ۷۰ شرایط عمومی فیدیک اشاره کرد که بیان می‌دارد: «قیمت قرارداد، متناسب با افزایش یا کاهش هزینه‌های نیروی کار، مواد و سایر مواردی که بر هزینه‌های اجرای کار مؤثر است تعدیل پیدا می‌کند (رحیمی، علیزاده، ۱۳۹۶، ۶).

۵-۲. اقسام تعدیل قراردادها

تعدیل قراردادها به انواع مختلفی تقسیم می‌شود، از جمله:

الف) تعدیل قراردادی: ماده ۲۱۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آن‌ها لازم‌التبایع است، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.» بنابراین، پس از انعقاد صحیح یک قرارداد مطابق با مقررات قانونی، آثار و تعهدات ناشی از آن بر طرفین لازم‌الاجرا می‌شود و متعهد موظف به انجام تعهدات خود است، حتی اگر این امر برای او پیامدهای ناخوشایندی مانند افزایش هزینه‌ها به همراه داشته باشد. هیچ یک از طرفین قرارداد

تغییر اوضاع و شرایط دچار اختلال شده، انجام گیرد، عنوان «تعدیل قانونی» به خود می‌گیرد. (ج) **تعدیل قضایی**: این نوع تعدیل زمانی مطرح می‌شود که نه در توافق طرفین و نه در قوانین، پیش‌بینی خاصی برای تعیین تکلیف قرارداد در صورت برهم خوردن تعادل و توازن آن وجود نداشته باشد. در این حالت، قاضی این اختیار را دارد که با تعدیل قرارداد، محتوای آن را با شرایط جدید هماهنگ کند (مزارعی، ۱۳۹۴، ۱۰۹).

۵-۳. تغییر در قیمت قرارداد در حقوق ایران

نمونه قراردادهای داخلی (شرایط عمومی پیمان)، تعدیل صرفاً به تعدیل قیمت قرارداد محدود می‌شود. همان‌طور که در بند ۵ ماده ۲۹ شرایط عمومی پیمان آمده است: «تعدیل نرخ پیمان طبق شرایط پیش‌بینی شده در شرایط خصوصی است.» تعدیل نرخ پیمان یا تعدیل قیمت قرارداد به معنای تطویل یا تمدید مدت پیمان (تعدیل در معنای عام کلمه) نیست. بنابراین، عواملی که موجب تمدید مدت قرارداد می‌شوند، نمی‌توانند به عنوان شروط تعدیل قیمت قرارداد در نظر گرفته شوند.

تنها شرط لازم و اساسی برای تعدیل مبلغ قرارداد و تنها عاملی که موجب پرداخت مبلغ مربوط به تعدیل به متعهد له قرارداد می‌گردد، تغییرات قیمت مواد اولیه یا نیروی انسانی است. به عبارت دیگر، نوسانات و تفاوت فاحش قیمت مصالح یا دستمزد نیروی انسانی در زمان اجرای قرارداد نسبت به زمان انعقاد آن، مبنای تعدیل قیمت قرارداد است. در شماره ۳۲ از ماده ۱۵ (تفسیرها و سایر تعاریف) (از شرایط عمومی پیمان به تاریخ آذر ۱۳۹۱ که هنوز به تصویب و ابلاغ نرسیده)، تعریف تعدیل این‌گونه آمده است: «به روزرسانی قیمت‌های اولیه پیمان بر اساس زمان انجام کار از

برای برقراری حقوق، نه تنها ملزم به رعایت شرایط قانونی انعقاد قرارداد است، بلکه باید به لحاظ محتوا نیز به قواعدی پایبند باشد که قانون آن‌ها را به عنوان قواعد عالی معرفی کرده و هیچ‌کس نمی‌تواند در قراردادها از آن‌ها تجاوز کند. در حال حاضر، دامنه‌ی نظم عمومی گسترش یافته و به دو بخش اصلی تقسیم شده است: (۱) نظم عمومی سیاسی؛ (۲) نظم عمومی اقتصادی. نظم عمومی سیاسی به قوانینی اطلاق می‌شود که برای ایجاد ساختار جامعه و حفاظت از اجزای اصلی آن، مانند فرد و خانواده وضع شده‌اند. نظم عمومی اقتصادی، قواعد حاکم بر روابط اقتصادی افراد، به‌ویژه در عرصه‌ی مبادله کالاها و خدمات را شامل می‌شود. این نوع نظم عمومی، که منجر به دخالت دولت در حوزه اقتصاد می‌گردد، دارای دو گرایش اصلی است: برخی از این قواعد به سازمان دادن روند اقتصادی کمک می‌کنند، نظیر قوانین صادرات و واردات، نرخ ارز و ... و برخی دیگر به حمایت از منافع طبقاتی متعهدان می‌پردازند، نظیر قراردادهای کار و تدابیر محافظتی برای مصرف‌کنندگان.

در اواخر قرن بیستم، نظم عمومی اقتصادی به دو نوع: نظم عمومی حمایتی یا اجتماعی و نظم عمومی ارشادی تقسیم شد. این تفکیک همیشه ساده نیست، زیرا غالباً این دو نوع نظم عمومی در یک متن قانونی به هم پیوسته‌اند یا اجرای یکی منجر به آثار دیگری می‌شود (همان ص ۹۰؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۵۷-۵۲). به دلیل گستردگی و تنوع مسائلی که تحت کنترل و نظارت دولت و مقنن قرار دارد، مصادیق دخالت آنان در زمینه روابط خصوصی متفاوت بوده و هر دخالت با هدف خاصی تحقق می‌یابد. وقتی این دخالت بمنظور بازگرداندن تعادل اقتصادی قراردادی که متأثر از

تعدیل و متناسب با قیمت‌های روز بازار، به‌روزرسانی می‌شود (همان، ۶).

۵-۳-۱. قاعده لاضرر

قاعده «لا ضرر» یکی از اصول پذیرفته‌شده و قطعی در فقه اسلامی است (رشتی نجفی، بی‌تا، ۴) به بیان دیگر، منظور از حدیث «لا ضرر»، منع هرگونه آسیب و زیان قابل تصور است. همان‌طور که ایجاد حکم ضرری از سوی شارع ممنوع است، هرگونه ضرر و خسارت موجود در عالم واقع نیز باید ممنوع و جبران شود (مرعشی، ۱۴۲۷، ۱، ۱۹۳).

مهم‌ترین دلیل این قاعده، روایاتی است که از امامان معصوم (ع) نقل شده است. در این روایات، به سخنی از پیامبر اکرم (ص) در خصوص اختلافی میان یک مهاجر و یک انصاری به نام سمره بن جندب اشاره شده که حضرت فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار». این احادیث توسط محدثین از امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) روایت شده‌اند. روایات مربوط به قاعده لا ضرر فراوان هستند و با وجود اختلاف در الفاظ و جزئیات، در اصل حدیث هیچ اختلافی وجود ندارد، تا جایی که برخی فقها ادعای تواتر کرده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱، ۱۸۹؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۱۸، ۳۷۰). در قراردادها، نوسانات قیمت می‌تواند موجب ضرر یکی از طرفین شود. اگر نوسان قیمت به حدی باشد که عرفاً تحمل آن غیرممکن باشد و موجب عسر و حرج شدید برای یکی از طرفین شود، می‌توان با استناد به قاعده لاضرر، حکم به تعدیل قرارداد و جبران خسارت داد تا ضرر ناروا از فرد زیان‌دیده دفع شود.

طریق شاخص‌های تورم منتشره از سوی بانک مرکزی یا شاخص‌های تعدیل منتشر شده از سوی معاونت».

طرفین قرارداد می‌توانند در متن قرارداد، صراحتاً بر امکان تعدیل تأکید کنند؛ به این شکل که در قرارداد به شرط شاخص یا فرمولی برای تعدیل اشاره نمایند یا تعهد کنند که در صورت بروز تغییرات غیرمتعارف، مجدداً در مورد اصلاح قرارداد مذاکره کنند. در چنین شرایطی، زمان اجرای قرارداد بر اساس وقوع این تغییرات، تصمیم‌گیری برای تعدیل آن انجام می‌شود. این روش رایج‌ترین و ساده‌ترین شکل از روش‌های شرط تعدیل است که اجرای آن آسان است. همچنین، این رویکرد امکان تخصیص ضرر و ریسک‌های مرتبط با تغییرات قیمت را در قرارداد فراهم می‌آورد (علیزاده، رحیمی، ۱۳۹۶، ۶).

رکن اساسی و شرط لازم برای تعدیل مبلغ قرارداد، تفاوت چشمگیر و غیرمتعارف قیمت ارقام و مصالح در زمان اجرای کار نسبت به قیمت‌های اولیه پیمان است. با استفاده از روش تعدیل، مابه‌التفاوت این دو قیمت بر اساس فهرست بها، قیمت‌های بازار و شاخص‌های اعلامی از طرف معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، به متعهد له پرداخت می‌گردد.

به عنوان مثال، پیمانکار در زمان اجرای کار با افزایش چشمگیر قیمت برخی از مصالح مواجه می‌شود و با همان قیمت‌های اولیه در زمان انعقاد قرارداد نمی‌تواند یا به سختی می‌تواند عملیات اجرایی را به اتمام برساند و در نتیجه متحمل ضرر و خسارت می‌شود. برای جلوگیری از این ضرر احتمالی و با استفاده از سازوکار تعدیل، مبلغ قرارداد با استفاده از شاخص‌های تعدیل، فرمول

۵-۳-۲. قاعده مصلحت

مصلحت به عنوان یک مفهوم فراگیر، با مفاهیمی چون حقیقت، ضرورت، عدم مفسده، منفعت، استحسان، حسن و قبح عقلی، سدّ و فتح ذریعه، مقاصد شریعت، عرف، علت و حکمت احکام ارتباط تنگاتنگ دارد (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ۱، ۶۵۶). مصلحت در زمینه‌های گوناگون حقوق اسلامی و فقه جزایی کاربرد دارد و نه تنها به عنوان مبنای احکام شرعی به کار می‌رود، بلکه در احکام حکومتی نیز نقش دارد و به عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی و اصول اجتهاد محسوب می‌شود. در زبان فارسی، مصلحت به معنای «صواب و شایستگی» و نقطه مقابل مفسده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۴۵، ۵۷۸). در اصطلاح فقهی، مصلحت به معنای پاسداری از مقاصد شرعی و حفاظت از ارزش‌های اسلامی تعریف می‌شود (فیض، ۱۳۷۳، ۲۵۳). قاعده مصلحت به معنای در نظر گرفتن منافع و مصالح جامعه و افراد در تصمیم‌گیری‌ها و احکام است. در خصوص جبران خسارت ناشی از نوسانات قیمت در قراردادهای مصلحت می‌تواند به عنوان یک عامل تعیین‌کننده مورد توجه قرار گیرد. اگر نوسانات شدید قیمت منجر به ورشکستگی گسترده، اخلال در نظام اقتصادی و اجتماعی، یا آسیب به اعتماد عمومی به معاملات شود، در این صورت، با استناد به قاعده مصلحت، جبران خسارت و تعدیل قراردادهای مشروعیت می‌یابد. این اقدامات ممکن است شامل تعیین سقف برای نوسانات قیمت، یا حتی بازنگری در شرایط قرارداد با هدف حفظ تعادل و جلوگیری از ضرر فاحش باشد.

۵-۳-۳. دلیل عقل

دلیل عقل به عنوان یک منبع استدلال، حکم می‌کند که باید از ایجاد ضرر غیرمنصفانه و بی‌دلیل به دیگران جلوگیری شود. بدون شک، عقل یکی از بزرگ‌ترین و ارزشمندترین نعمت‌های الهی است که به عنوان چراغی در وجود انسان قرار داده شده تا با تکیه بر آن به سعادت واقعی دست یابد. اهمیت عقل در هدایت بشر به اندازه‌ای است که در کنار کتاب، سنت و اجماع، به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شرعی و فقهی شناخته شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵، ۲۰۵). در خصوص نوسانات قیمت در قراردادها، عقل حکم می‌کند که اگر این نوسانات به حدی شدید و غیرقابل پیش‌بینی باشند که موجب ضرر غیرمتعارف و فاحش به یکی از طرفین شود، باید راهکاری برای جبران این خسارت وجود داشته باشد. عقل حکم می‌کند که قراردادهای باید بر اساس انصاف و تعادل منافع طرفین استوار باشند و نباید به ابزاری برای سوءاستفاده و تحمیل ضرر به دیگران تبدیل شوند. از این رو، اگر نوسانات قیمت، تعادل قراردادی را به شدت بر هم بزند و موجب ضرر غیرقابل تحمل برای یکی از طرفین شود، عقل حکم می‌کند که باید با استفاده از راهکارهایی مانند تعدیل قیمت، فسخ قرارداد یا جبران خسارت، از ایجاد این ضرر جلوگیری شود.

۵-۳-۴. بناء عقلا

بناء عقلا، به رویه و توافقات عرفی و منطقی افراد خردمند جامعه اشاره دارد. تفاوت بین دلیل عقل و بنای عقلا در این است که دلیل عقل به استدلال‌های منطقی و فردی اشاره دارد که بر پایه تفکر و تحلیل شخصی بنا شده و فرد با استفاده از آن می‌تواند به نتایج منطقی و اخلاقی

معنا که نه تنها نوسانات قیمت‌ها موجب تعدیل قیمت قرارداد می‌شود، بلکه تغییر در قوانین نیز اگر موجب افزایش یا کاهش هزینه‌ها گردد، می‌تواند مستقیماً تعدیل قیمت قرارداد را به همراه داشته باشد. در ادامه به تشریح این موارد می‌پردازیم:

بند ۸ از ماده ۱۳ نمونه قراردادهای ساخت و ساز (کتاب قرمز) مقرر می‌دارد: «در صورت اعمال این بند، مبالغ قابل پرداخت به پیمانکار بابت افزایش یا کاهش هزینه نیروی انسانی، کالا و سایر منابع مؤثر در کار باید با اعمال فرمول‌های مذکور در این بند تعدیل شود.» بر اساس این بند، قیمت قرارداد که به موجب تورم تغییر کرده است، با استفاده از فرمول ارائه شده، تعدیل می‌شود. در صورت اعمال این بند، از کارفرما درخواست می‌شود که مابه‌التفاوت قیمت زمان اجرای کار که به علت افزایش یا کاهش در دستمزد نیروی انسانی، کالاها و یا سایر منابع مؤثر در کار نسبت به قیمت قراردادی که در اسناد مناقصه آمده، تغییر کرده است را بپردازد. در واقع، موضوع تعدیل قیمت قرارداد در نمونه قراردادهای فیدیک نیز همانند شرایط عمومی پیمان، نوسانات قیمت مصالح یا دستمزد نیروی انسانی است.

امکان تعدیل قیمت به دلیل نوسانات قیمت‌ها برای قراردادهایی که مدتشان یک سال یا کمتر است، غیرمحتمل است، حتی اگر پیمانکار بتواند تغییر در هزینه‌ها را در این دوره زمانی کوتاه مدت با یک دقت معمولی ثابت کند (Michael, 1983, 48). در پیمان‌های با اجرای طولانی مدت، به دلیل آنکه پیش‌بینی تغییر در هزینه‌ها مخاطره‌آمیز و ریسکی است و در نتیجه مبلغ مناقصه افزایش می‌یابد، برای جلوگیری از افزایش قیمت قرارداد در زمان مناقصه، مکانیسم تعدیل

دست یابد. به عبارت دیگر، دلیل عقل، نوعی قضاوت شخصی است که از توانایی‌های عقلانی انسان سرچشمه می‌گیرد. در مقابل، بنای عقلا به توافق و فهم عمومی میان جوامع اشاره دارد که بر اساس تجربیات مشترک و درک متقابل شکل می‌گیرد. بنای عقلا نشان‌دهنده یک معیار اجتماعی در تصمیم‌گیری‌ها و اعمالی است که معمولاً از سوی گروه‌های مختلف به عنوان صحیح یا معقول پذیرفته می‌شود. به طور خلاصه، در حالی که دلیل عقل بر تفکر فردی و منطقی استوار است، بنای عقلا بر اجماع و فهم مشترک جامعه متکی است و این دو مفهوم از نظر منبع اعتبار و روش استدلال با یکدیگر تفاوت دارند.

سیره مستمره عقلا در طول تاریخ بر این بوده است که در هنگام بروز حوادث، از هیچ تلاشی برای جبران خسارت فروگذار نکرده‌اند. در مورد جبران خسارت ناشی از نوسان قیمت در قراردادهای بنای عقلا ایجاب می‌کند که اگر نوسانات قیمت به گونه‌ای غیرمنتظره و شدید باشد که باعث ضرر فاحش و غیرقابل پیش‌بینی برای یکی از طرفین شود، راه‌حلی منصفانه برای تعدیل و جبران این خسارت وجود داشته باشد. عرف عقلا معمولاً انتظار دارد که طرفین قرارداد، ریسک‌های معقول ناشی از تغییرات قیمت را بپذیرند، اما اگر نوسانات از حد معمول فراتر رفته و باعث زیان غیرقابل جبرانی شود، بنای عقلا حکم می‌کند که باید ضرر وارده جبران گردد.

۴-۵. تغییر در قیمت قرارداد در فیدیک

در صورتی که قرارداد پیمانکاری مطابق با نمونه قراردادهای فیدیک تنظیم شده باشد، مبلغ پیمان هم به دلیل تغییر قیمت‌ها و نوسانات نرخ ارز و هم به دلیل تغییر قوانین که موجب کاهش یا افزایش هزینه‌ها می‌شود، تغییر می‌کند. به این

ج) تغییر شرایط فقط موجب انحلال (فسخ) می‌شود.

از میان این سه راهکار، راهکار دوم با اصول و مبانی حقوقی سازگارتر است، زیرا بین دو مصلحت «ثبات و استواری معاملات» و «لزوم جبران ضرر ناخواسته» جمع می‌کند. شیوه تعدیل قرارداد در همه موارد مورد پذیرش نیست، چرا که در مواردی که تعدیل قرارداد به دلایل موجهی عملی نباشد یا در صورت امکان، نتواند تضمینی برای اجرای عادلانه قرارداد باشد، ضرر و زیان متعهد جبران نشده باقی می‌ماند. اما با پذیرش فسخ قرارداد به عنوان آخرین راه حل، می‌توان به اشکالات ذکر شده به درستی پاسخ داد. بدون شک، در جایی که تعدیل قرارداد به موجب دوام شرایط غیرقابل پیش‌بینی، قادر به برقراری تعادل مطلوب بین تعهدات طرفین نباشد یا تعدیل قرارداد از اساس غیرقانونی و ناممکن باشد، تنها راه برای جلوگیری از ضرر غیرجایز، فسخ معامله است. باید توجه داشت که علت فسخ قرارداد در این حالت، ممکن نبودن اجرای آن است نه صرفاً تغییر شرایط؛ زیرا سختی و تحمل‌ناپذیری اجرای تعهد در شرایط جدید، از یک سو و عدم امکان تعدیل شروط قراردادی از سوی دیگر، وفای به عهد را در حکم امری ناممکن می‌سازد. بر این اساس، نظر نویسنده این است که شرط اول به واقعیت نزدیک‌تر است، چرا که در قراردادهایی که به دلیل تغییر اساسی شرایط و پرهزینه شدن تعهد با مشکل مواجه می‌شوند، ابتدائاً مفاد عقد تعدیل می‌گردد و با امکان تعدیل، فسخ قرارداد انجام می‌گیرد. به بیانی دیگر، تعدیل قرارداد، بعنوان اثر اولیّه نظریه و فسخ قرارداد، بعنوان اثر ثانوی آن محسوب می‌شود. بر این اساس، برای روشن‌تر شدن مسئله، ضمانت اجرای نظریه‌ی

قیمت قرارداد در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه، لحاظ کردن ریسک و مخاطره و به تبع آن، به کارگیری مکانیسم تعدیل، سبب کاهش مبلغ قرارداد در زمان مناقصه توسط کارفرما می‌شود و در نتیجه پیشنهاد دهنده در مناقصه (پیمانکار) با قطعیت و دقت بیشتری قیمت قرارداد را پیشنهاد می‌کند (همان).

۵-۵. ضمانت اجرای تعدیل مبلغ قرارداد ناشی از نوسان قیمت

در ابتدا باید پرسید که آیا در صورت تغییر مبلغ قرارداد به دلیل افزایش نرخ ارز، در شرایطی که مفاد عقد هیچ قانونی در رابطه با تغییر شرایط و تعدیل شروط قراردادی پیش‌بینی نکرده، یا تغییر و اصلاح شرایط پیمان به طور قانونی تجویز نشده، دادرس می‌تواند با هدف رعایت انصاف و ممانعت از از خسارت یک طرف، با تصرف در مفاد عقد، آن را با اوضاع و شرایط جدید منطبق سازد؟ آیا طرف متضرر حق دارد با استناد به تغییر اساسی شرایط و احوالات و سنگین شدن تعهد، بدون درخواست تعدیل، از همان ابتدا فسخ عقد را از دادگاه بخواهد؟ و آیا در این وضعیت، دادگاه ناگزیر به صدور حکم انحلال عقد است؟ یا اینکه صدور چنین حکمی منوط به ممکن نبودن تعدیل قرارداد است؟ به طور کلی، درباره ضمانت اجرای این تئوری، سه راه حل، متصور است:

الف) ابتدائاً اثر حقوقی تغییر شرایط، تعدیل یافتن مفاد قرارداد می‌باشد و با عدم امکان تعدیل، فسخ کردن عقد هم جایز است؛ به تعبیری دیگر، تعدیل قرارداد بعنوان اثر اولیه و فسخ قرارداد بعنوان اثر ثانویه این نظریه برشمرده می‌شود.

ب) تغییر شرایط، صرفاً به تعدیل قوانین قرارداد و تجدیدنظر نسبت به مفاد آن منجر می‌شود.

مغایر با قصد مشترک طرفین نباشد و ضرر و زیان سنگین و غیرقابل تحملی به طرف مقابل وارد نکند. به عنوان مثال، فرض کنید پیمانکاری بر اساس پیمان، متعهد به ساخت ساختمانی شده است. در زمان اجرای عملیات، قیمت مصالح ساختمانی به طور چشمگیری افزایش می‌یابد، اما با توجه به احتمال گشایش در امر واردات کالا، این افزایش قیمت ممکن است موقتی و ناپایدار باشد و به سرعت برطرف شود. بر این اساس، دادرسی می‌تواند تعهد پیمانکار برای تحویل ساختمان را تا موعد مقرر به تأخیر بیندازد تا او بدون متحمل شدن خسارت زیاد، بتواند به ایفای تعهدات خود بپردازد. به این ترتیب، در مواقعی که موضوع قرارداد، پرداخت پول در زمان معین باشد و بدهکار نتواند آن را در موعد مقرر بازپرداخت کند، قاضی می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط موجود و وضعیت بدهکار، زمان پرداخت دین را به تعویق اندازد و یا با صدور حکم اقساط، پرداخت آن را قسطبندی کند. بنابراین، دادن مهلت عادلانه به مدیون با صدور حکم اقساط برای پرداخت بدهی، از مصادیق تعلیق اجرای قرارداد است. در این زمینه، ماده ۲۷۷ قانون مدنی تصریح می‌کند: «متعهد نمی‌تواند متعهدله را به قبول قسمتی از موضوع تعهد مجبور کند ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت و شرایط مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد.» ماده ۶۵۲ قانون مدنی نیز در این باره می‌گوید: «در باب مطالبه، حاکم مطابق شرایط برای مقتضای مهلت یا اقساطی قرار می‌دهد»

ب) کاهش میزان تعهد گراف

گاه قاضی به منظور جبران زیان ناخواسته، قرارداد را با میزان تعهدات و کاهش کیفیت کار تغییر می‌دهد. به عنوان مثال، اگر تاجر متعهد

تعدیل قرارداد را در قالب دو گفتار تعدیل قرارداد و باطل شدن قرارداد تشریح می‌کنیم.

۵-۱. تعدیل تعهدات قرارداد

همان‌طور که از مباحث قبلی نتیجه می‌گیریم، مفهوم تعدیل قرارداد، تجدید نظر (تغییر) در شروط عقد و تطبیق آن‌ها با شرایط جدید است. بنابراین، با توجه به مفهوم اصطلاحی تعدیل قرارداد، اثر اولیه تعدیل قرارداد، همان تصرف در عقد و تغییر شروط عقد و تعهدات دو طرف آن و انطباق آن با شرایط جدید است. پس در فرضی که تعدیل قرارداد ممکن باشد، ادعای فسخ قرارداد پذیرفته نخواهد شد. در این روش، مبنا بر این است که با ادامه قرارداد، می‌توان از ضرر ناروا برای طرفین عقد جلوگیری کرد و بر حسب حالتهای که برای قرارداد و در مسیر اجرای آن به وجود می‌آید، اجرای تعهد برای مدتی معلق مانده و یا برای ایجاد تعادل و توازن در عقد که بر اثر تغییر شرایط به وجود آمده، حکم به تعدیل قرارداد صادر می‌گردد. تعدیل رابطه قراردادی معمولاً از سه طریق صورت می‌پذیرد که با توجه به موضوع قرارداد و ماهیت تغییرات و تأثیراتی که بر وضعیت و چگونگی پیمان دارد، قاضی یکی از آن‌ها را انتخاب می‌کند:

الف) تطبیق اجرای قرارداد

تعلیق اجرای قرارداد به زمانی مربوط می‌شود که تغییر شرایط، محدود به زمان و موقتی باشد. شرایط عمومی پیمان، تمدید زمان به خاطر تعلیق از سوی کارفرما را مطرح می‌سازد (محمدکریمی و همکاران، ۸۸، ۶). در این حالت، قاضی می‌تواند تا زمانی که مانع برطرف شود و وضعیت به حالت عادی بازگردد، اجرای تعهد ناشی از قرارداد را به حالت تعلیق درآورد، به شرطی که ادامه‌ی اجرای قرارداد پس از این توقف

کیفیت و کمیت کار، با افزایش دادن ارزش کالا و خدمات مرتبط با قرارداد، از قیمت قراردادی می‌کاهد یا قلمرو تعهدات متعهد را افزایش می‌دهد. در واقع، این تعدیل، منافع متعهدله را تأمین می‌کند (شفایی، ۱۳۷۶، ۱۵۰-۱۴۹).

۵-۲-۵. فسخ (انحلال) قرارداد

همان‌طور که گذشت، اثر نخست تعدیل قرارداد به سبب افزایش نرخ ارز، بازنگری و تغییر در مضمون قرارداد و هم‌راستا کردن آن با شرایط جدید می‌باشد. اما اگر به هر دلیلی تعدیل قرارداد امکان‌پذیر نباشد، حقوق به عنوان آخرین راهکار، فسخ قرارداد و سقوط تعهد ناشی از آن را می‌پذیرد. به عنوان مثال، تصور کنید قانون‌گذار به خاطر رعایت منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور، قوانینی را تصویب کند که اصلاح یا ترمیم مبلغ قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های خارجی را ممنوع کند، یا اینکه هیأت وزیران یا مقام بالا دستوری مبنی بر ممنوعیت تعدیل برخی از قراردادهای خارجی صادر کند، یا حتی بدون وجود قانونی برای این موضوع، ادامه‌ی اجرای قرارداد در شرایط جدید، حتی با اعمال تعدیل نیز امکان‌پذیر نباشد؛ زیان‌دیده در چنین فرضی، حق دارد از دادگاه بخواهد قرارداد را فسخ کند. بنابراین، تغییر اساسی شرایط تنها زمانی به فسخ قرارداد منجر می‌شود که تعدیل آن قانوناً ممکن نبوده یا در صورت امکان، نتواند خسارت ناشی از ضرری شدن عقد را جبران کند. اگرچه در حقوق بین‌الملل هم، طبق ماده ۶۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، دگرگونی شرایط موجود در زمان انعقاد معاهده، به طور مطلق از اسباب فسخ معاهده یا انصراف از آن است، اما در رویه بین‌المللی دولت‌ها، بهترین راه و روش برای ایجاد انعطاف در روابط حقوقی، تجدیدنظر در عهد و پیمان و

شود که مقادیر مشخصی برنج به قیمت دولتی، برای یک کارخانه تهیه کند، ولی به دلیل وقوع یک اتفاق ناگهانی، نظیر افزایش یافتن نرخ ارز، واردات با مشکلاتی مواجه گردد یا به هر دلیلی، عرضه‌ی آن در بازار کاهش پیدا کند، در این حالت، اجرای کامل تعهد برای تاجر، بسیار پرهزینه و دشوار خواهد بود. متأثر از این شرایط، قاضی می‌تواند برای تعدیل مفاد قرارداد، به اندازه‌ای که لازم می‌داند، از دامنه تعهدات تاجر بکاهد. پس از این تعدیل، تاجر تنها به میزان تعیین‌شده مسئول خواهد بود، نه بیش از آن. همچنین، باید اشاره کرد که حکم تعدیل قرارداد برای طرفین، لازم‌الاجرا و معتبر است. بنابراین، متعهدله، به رغم اینکه طبق قوانین عمومی معاملات حق دارد اجرای عین تعهد یا عوض آن را مطالبه کند، می‌تواند بر اساس نظریه تغییر شرایط، در صورت امتناع متعهد از اجرای تعهد تعدیل‌شده، قرارداد را فسخ کند و خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد را مطالبه کند. همچنین، متعهد نیز این حق را دارد که در صورت عدم رعایت حکم تعدیل توسط متعهدله، تسببت به فسخ قرارداد مبادرت ورزد.

(ج) افزایش میزان تعهد طرف مقابل (متعهد له)

در این شیوه، با افزایش یافتن ارزش کالا و یا خدمات موضوع قرارداد، سنگینی تعهد طرف مقابل را کاهش داده و دوباره، تعادل قراردادی را برقرار می‌کند. همچنین، اگر متعهد هزینه‌هایی را برای اجرای تعهد متحمل شده باشد، با توجه به تعدیل میزان تعهد، این هزینه‌ها قابل مطالبه است. نکته مهم این است که تغییر میزان تعهد و یا تعدیل قیمت، همیشه دربردارنده نفع متعهد نمی‌باشد و ممکن است، منجر به نفع متعهدله گردد؛ یعنی گاهی قاضی به جای کاهش دادن

برخی موارد، شرایط اقتصادی به قدری حد می‌شود که حتی در شاخص‌های معتبر مانند شاخص هزینه زندگی، شاخص قیمت محصولات کشاورزی یا دستمزد کارگران نیز آثار ناخواسته‌ای به جا می‌گذارد و امکان تعدیل قرارداد بر مبنای این شاخص‌ها از متضرر سلب می‌شود. تشخیص اینکه آیا وضعیت آشفته‌ی اقتصادی به قدری تداوم داشته که تعدیل قرارداد را بی‌معنا و بی‌اثر کند، بر عهده‌ی دادگاه رسیدگی کننده به دعوی تغییر شرایط رسیدگی است. در این خصوص، دادگاه به بررسی طبیعت قرارداد، شدت و تداوم بحران اقتصادی و ارتباط آن با ادامه‌ی ایفای تعهدات قراردادی می‌پردازد. باید به این نکته توجه کرد که اگر تغییر شرایط بصورت موقتی باشد و در زمان مشخصی پایانی داشته باشد، در چنین حالتی منطقی نیست که قرارداد فسخ شود؛ زیرا در این فرض، زبان‌های وارده با تعدیل و اصلاح قرارداد قابل جبران خواهد بود.

ب) عدم امکان قانونی تعدیل قرارداد برای مثال برای خرید ماشین‌های اداری، میان یک مؤسسه و کارخانه تولیدکننده این نوع ماشین‌ها، قراردادی به مدت سه سال منعقد گشته است. بر اساس این قرارداد، کارخانه متعهد می‌شود ماشین‌های مدنظر را طبق استانداردها و ضوابط بین‌المللی، به نرخ ثابت و در زمان‌های معین، تولید و ارائه کند. ولی در طول مدت این قرارداد، کارخانه چنین اعلام می‌دارد که به دلیل افزایش قابل توجه هزینه‌های ساخت ماشین‌های مذکور، قادر به اجرای تعهدات خود مطابق شرایط قرارداد نمی‌باشد، مگر در صورتی که مبلغ قرارداد به شیوه‌ای منطقی تعدیل یابد. در عین حال، اگر مؤسسه دولتی بعنوان متعهدله، به دلیل ممنوعیت قانونی نتواند تغییری در قیمت قید شده در

تطبیق دادن قوانین آن با شرایط روز و تحولات اجتماعی است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۴، ۱۰۳-۱۰۲). پس با هدف رعایت مصلحت و لزوم قرارداد از یک سو و جبران ضرر ناخواسته از سوی دیگر، باید مفاد این ماده را ناظر به موردی دانست که تعدیل معاهده اصلاً و ابداً ممکن نیست. عللی که توجیه‌کننده فسخ قرارداد در شرایط جدید است، عللی است که یا از بین رفتن امکان قانونی یا مادی تعدیل قرارداد را نتیجه می‌دهد و یا چنانچه مانع از تحقق تعدیل نشود، ضرورت وجودی و فایده‌ی اصلی آن را نفی می‌کند. به بیان بهتر، گاه تعدیل مفاد قرارداد در شرایط جدید، به لحاظ مغایرت با قانون یا قصد مشترک دو طرف قرارداد یا عدم حصول توافق بین طرفین ممکن و عملی نیست و گاه امکان تعدیل شروط قراردادی و متناسب ساختن عقد با وضع موجود هم وجود دارد، با این حال، این نوع تعدیل به دلیل تداوم وضعیت پیش‌بینی‌نشده قادر به جبران ضرر و زیان ناخواسته نبوده و نمی‌تواند موجب ادامه قرارداد در شرایط مطلوب شود. علل و عواملی موجب سلب امکان تعدیل قرارداد و توجیه انحلال آن در شرایط تغییر عبارتند از:

الف) تداوم وضعیت غیرقابل پیش‌بینی اگر حفظ تعادل و نسبت اقتصادی قرارداد به دلیل تغییر مداوم شرایط، اوضاع و احوال امکان‌پذیر نباشد و مبلغ مواد اولیه، هزینه‌های تولید، ابزار کار، دستمزد کارگران و... به حدی افزایش یابد که حتی با تعدیل مفاد قرارداد نیز نتوان آثار منفی بحران‌های شدید اقتصادی را برطرف کرد و زیان‌های حاصل را به شکلی معقول و عادلانه جبران نمود، در این صورت، متضرر این حق را دارد که به منظور پیشگیری از تحمل خسارت بیشتر، از دادگاه درخواست فسخ قرارداد نماید. در

اگر بر اساس شروط و مفاد قرارداد مشخص شود که اجرای کامل تعهدات در زمان تعیین شده ضروری است و موعد اجرای تعهد خاصی دارد که فقط در آن زمان مورد نظر است، در این صورت، چنانچه تعدیل قرارداد، منجر به تأخیر در اجرای تعهد شود، متعهد می‌تواند به این استناد که تعدیل به‌طور ضمنی با اراده مشترک دو طرف ناسازگار است، از دادگاه درخواست فسخ قرارداد کند.

د) عدم توافق نسبت به تعدیل قرارداد یکی دیگر از عواملی که توجیه‌کننده فسخ قرارداد است، عدم توافق دو طرف بر سر تعدیل مفاد آن است. این عدم توافق زمانی به وجود می‌آید که متعهدله درخواست تعدیل قرارداد را نپذیرفته و تمایلی به انجام مذاکره برای بازنگری در قرارداد نداشته باشد. در این مورد، تفاوتی ندارد که طرف قرارداد، به دلایل قابل قبول و منطقی، از پذیرفتن تعدیل قرارداد خودداری ورزد، یا اینکه بی‌دلیل مخالف با تقاضای تعدیل عقد است. همچنین، اگر متعهدله پس از صادر شدن حکم تعدیل قرارداد، از اجرای مفاد آن خودداری کند و از طرفی، الزام وی به اجرای حکم صادره، به سبب طولانی شدن توقف اجرای قرارداد و به بار آوردن ضرر و زیان مالی بیشتر عملاً ممکن نباشد، بنابراین تنها راه مناسب برای جبران خسارت، فسخ قرارداد است. (شفایی، ۱۳۷۶، ۱۷۵-۱۷۹). در پایان این بحث دوباره باید یادآوری نمود که در صورت پذیرفتن تئوری تعدیل قرارداد، اثر اول آن «تعدیل و تجدیدنظر در شروط قراردادی و انطباق آن با شرایط جدید» بوده و در صورت عدم امکان تعدیل شروط آن، به متعهد به عنوان آخرین راه‌کار، «حق فسخ قرارداد» اعطا می‌شود.

قرارداد اعمال کند و آن را به نفع شرکت افزایش بدهد، در این صورت متعهد می‌تواند از دادگاه درخواست فسخ قرارداد نماید و دادگاه نیز می‌تواند این درخواست را به استناد عدم امکان قانونی تعدیل قرارداد، بپذیرد و متعهد را از این معامله نامطلوب نجات دهد. در این راستا، ممکن است عدم امکان قانونی تعدیل قرارداد به دو شکل: صریح و مستقیم و یا غیرصریح و غیرمستقیم وجود داشته باشد:

روش صریح و مستقیم: این روش به صورت مستقیم در قوانین موجود یا دستورالعمل‌های صادرشده امکان تعدیل به میزان مشخص یا عدم اجازه تعدیل قرارداد را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، در این حالت، تعدیل قرارداد در فرض اول یا تعدیل به بالاتر از مقدار تعیین شده در فرض دوم، ممنوع و غیرقانونی است.

روش ضمنی و غیرمستقیم: در این روش، در دستور کار یا متن قانون، به تعدیل قرارداد اشاره‌ای نشده است، اما می‌توان از مفاد التزامی آن‌ها به غیرقانونی بودن تعدیل پی برد. به عنوان مثال، اگر بر اساس مقررات قانونی بودجه یا قوانین ارزی کشور، برای همه دستگاه‌های اجرایی از قبیل: مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وزارتخانه‌ها، برای واردات کالاهای موضوع قرارداد، سهمیه ارزی معینی مطرح شده باشد، در این صورت، افزایش مبلغ قراردادهای مربوط به واردات این کالاها، به معنای افزایش غیرقانونی سقف ارز اختصاص یافته و تخلف از قوانین مربوط به محدودیت خروج ارز از کشور محسوب می‌شود.

ج) تعدیل قرارداد مانع تحقق قصد مشترک طرفین در قراردادهای مرتبط با تأمین کالا یا خدمات که تعهدات آن باید در مهلت مشخصی انجام شود،

۶. نتیجه

با توجه به بررسی‌های انجام شده در مورد حقوق ایران و قراردادهای فیدیک، ضروری است که طرفین در زمان انعقاد قرارداد، با پیش‌بینی احتمال بروز تغییراتی نظیر نوسانات قیمتی که معمولاً به شکل کاهش ارزش پول یا تورم خود را نشان می‌دهند، شروط مورد نظر خود، از جمله شرط تعدیل قرارداد را به دقت تنظیم نمایند. این امر به منظور تضمین تعادل اقتصادی قرارداد و جبران خسارات احتمالی در صورت وقوع این تغییرات صورت می‌گیرد. اساساً، تعدیل مبلغ قرارداد و پرداخت مبالغ مربوط به آن، منوط به تغییرات قابل توجه در قیمت مواد اولیه و دستمزد نیروی انسانی در زمان اجرای قرارداد، نسبت به زمان انعقاد آن است. این تعدیل، در واقع، مکانیزمی برای جبران ضرر و پوشش نوسانات قیمتی محسوب می‌شود. علاوه بر نوسانات قیمت، تغییرات در قوانین نیز می‌توانند، در صورتی که منجر به افزایش یا کاهش هزینه‌ها شوند، به طور مستقیم بر تعدیل قیمت قرارداد تاثیر بگذارند. شایان ذکر است که در حقوق ایران، امکان تعدیل قراردادهایی که فاقد شرط تعدیل هستند نیز وجود دارد که از آن به عنوان تعدیل قانونی یاد می‌شود. در این حالت، مقنن با تعیین شرایط و ضوابط مشخص، این حق را به ذینفع می‌دهد که از دادگاه، اجرای قانون را مطالبه کند و دادگاه را ملزم یا مجاز می‌سازد تا نسبت به تعدیل قرارداد اقدام کند. اگرچه در این موارد، تصمی م‌گیری در خصوص تعدیل قرارداد بر عهده قاضی است، اما مبنای قانونی این دستور تعدیل، قانون است.

۷. سهم نویسندگان

سهم نویسندگان در تهیه و تدوین پژوهش حاضر برابر بوده است.

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع**منابع فارسی**

- مرعشی، محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق، چاپ دوم، تهران: نشر میزان، ۱۴۲۷.
- مرعشی، محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق، چاپ دوم، تهران: نشر میزان، ۱۴۲۷.
- مزارعی، علی، تئوری عدم پیش‌بینی و تعدیل قرارداد، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
- موسوی بجنوردی، سید محمدحسین، القواعد الفقهیه، قم: الهادی، ۱۴۱۹.
- میرزایی، نجفعلی، فرهنگ اصلاحات معاصر، قم: للطباعة و النشر دار الاعتصام، ۱۳۷۷.
- نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، بی‌جا: چاپ انتشارات مروی، بی‌تا.

منابع عربی

- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- بعلیکی، روحی، المورد، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- حسینی روحانی، صادق، فقه الصادق علیه السلام، قم: مدرسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۲.
- حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- شرتونی، سعید، اقرب الموارد، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۳.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۲۵ق.
- انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۶.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
- رحیمی، حبیب الله؛ علیزاده، سعیده، ماهیت و مبنای تعدیل در قراردادهای پیمانکاری در حقوق ایران و فیدیک، نشریه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۶.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- سیاح، احمد، لغت‌نامه یا فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۶۵.
- شفائی، محمدرضا، بررسی تطبیقی نظریه اوضاع و احوال در قراردادهای تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات کتابخانه گنج‌دانش، ۱۳۸۴.
- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۰.

منابع انگلیسی

Michael D, Robinson, (2013) An Employers and Engineers Guide to the FIDIC Conditions OF Contract , First Edition, Wiley _ Blackwell.

محمدکریمی، شهریار؛ حسینیعلی پور، سیدمجتبی، بررسی موضوع تمدید زمان در مفاد قراردادهای بین‌المللی (ICE, JCT و فیدیک) و مقایسه آن با شرایط عمومی پیمان ایران، مجله مهندسی عمران دانشگاه آزاد اسلامی، سال سوم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۹.



A Comparative Study of Effects of Price Fluency in Contracts Comparable Analysis of Iran and Fidic With an Approach to Jurisprudence

Hossein Shokreian Amiri¹, Alireza Saharkhiz²

1. PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.
2. Master of Private Law, University of Tehran, Farabi College, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:171-188

Article history:

Received: 10 Jul 2020

Edition: 30 Jul 2020

Accepted:16 Sep 2020

Published online: 22 Sep 2020

Keywords:

Comparative study, Price Fluctuation, Contract, Jurisprudence, Fidic.

Corresponding Author:

Alireza Saharkhiz

Address:

Iran, Qom, Farabi College, University of Tehran.

Orchid Code:

0009-0002-1385-3582

Tel:

09118359488

Email:

alirezasaharkhiz72.as@gmail.com

ABSTRACT

Background and Purpose: The main objective of this study is to investigate and analyze the effects of price fluctuations in contracts with a comparative approach between Iranian law and FIDIC contracts, along with a jurisprudential perspective. This study includes identifying and comparing legal solutions for compensating for possible damages caused by price fluctuations in both legal and contractual systems.

Methods and Methods: This research is of a theoretical type and has been carried out using a descriptive-analytical method.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: The findings of this study show that both Iranian law and FIDIC contracts have mechanisms to deal with the effects of price fluctuations in contracts, but their approaches and implementation details are almost the same.

Conclusion: In Iranian law, which is influenced by jurisprudence, jurisprudential arguments, such as the principle of no harm and expediency, reason and rationality, can be the basis for adjusting contracts and providing compensation in cases of severe price fluctuations. On the other hand, FIDIC contracts usually include price adjustment clauses that allow the parties to revise the terms of the contract in the event of significant price fluctuations.

Cite this article as:

Shokreian Amiri H, Saharkhiz A. *A Comparative Study of Effects of Price Fluency in Contracts Comparable Analysis of Iran and Fidic With an Approach to Jurisprudence*. 2020.